

نکاتی درباره وقایع روز

روزنامه ها: "میناچی دستگیر شد" و فردای هم آن روزه "بنی صدر میناچی را آزاد کرد".

افشاگری "دانشجویان پیرو خط امام" در مورد روابط میناچی با مامورین جاسوسخانه آمریکا و به میان آمدن پای "نهضت آزادی" و سمبل سازشکاری بازرگان پورده از روی وقایع دوران انقلابی سیاست سازشکاران در مقابل بختیارخان و همکاری اینان با امپریالیسم برای تشکیل "شورای سلطنت" برداشت. محتوای این افشاگری گرچه برای نیروهای انقلابی و آگاه نکته تازه ای نبوده اما بر توده های مردم که در روزهای تب و تاب انقلاب نمی توانستند در پس شعارهای فریبنده سلطنت طلبان "انقلابی" شده چهره واقعی سازشکاران را بشخیص دهند این افشاگری بحق توانست تأثیرات روشنگرانه ای را بجا گذارد. بخاطر همین تأثیرات است که در فاصله چندین ساعت تمامی مقامات دولتی و ضد انقلابیون "شورای انقلاب" به موضعگیری صریح در برابر "دانشجویان پیرو خط امام" دست میزنند و در این میان از همه آتشی تر رئیس جمهور از گرد راه رسیده جناب بنی صدر است. بنی صدر دانشجویان را "خودکامه" می خواند و از بلای "حکومت در حکومت" سخن میراند. او برای دانشجویان شاخ شانه میکشد و در اولین قدم میناچی وزیر ارشاد ملی (که لابد میخواهد ملت را به ارتباط با آمریکا ارشاد کند) آزاد می کند. سئوالی که در حلقه اول پیش می آید در مورد ماهیت و جایگاه طبقاتی بنی صدر نیست برای ما نحوه برخورد به مبارزه ضد امپریالیستی و مسئله گروگانگیری معیار و محک سازشکار

اسلام آباد، آمریکا، روسیه...

کنفرانس سران کشورهای اسلامی در اسلام آباد پاکستان و شرکت معاون وزارت امور خارجه ایران در این کنفرانس موجی از مخالفت را در رده های جامعه ما دامن زد و همراه آن تضلدهای موجود در سطح هیات حاکمه ایران را شدت بخشید. از همان آغاز زمزمه های شرکت ایران در این کنفرانس دانشجویان پیرو خط امام آنرا محکوم کرده و توطئه امپریالیسم آمریکا نامیدند، از طرف دیگر جناحهایی در قدرت همچون آقای قطب زاده و شورای انقلاب در مقابل این حرکت اعتراض نمودند. آقای بنی صدر اعلام نمود که دانشجویان خط امام بدون در نظر گرفتن تصمیمات شورای انقلاب دست به اعتراض زده و کنفرانس را محکوم نمودند و این امر کار صحیحی نیست و ارگانهای رهبری را چند گانه کرده و تضعیف مینماید. اعتراض قشرهای وسیعی از مردم به تصمیم گیری شورای انقلاب باعث گشت که حکومت رسیدگان دستپاچه شده و آقای خرازی معاون وزارت امور خارجه را مرتباً به پشت در و برین تلویزیون آورده و شرکت خود را در این کنفرانس توجیه نموده و از اهداف انقلابی حکومت در این نشست پشتیبانی نمایند. نتیجه آنکه در

۱۳۵۷ در مشهد

انه ایشان است. سؤال اساسی در مورد روند حرکت ایشان از بعد از احراز مقام ریاست جمهوری و همچنین میزان توان و قدرتشان در ترکیب کنونی هیئت حاکمه است و اینکه آیا وی قادر است بر جو ضد امپریالیستی موجود در توده مردم و مخصوصاً دانشجویان مستقر در

سفارت مهاباد بزند یا خیر؟

بنی صدر خود را نماینده ۷۵٪ رای دهنده می داند. او فکر میکند که این جمعیت میلیونی او را در یک یک سیاستهای همراهی و پشتیبانی خواهند کرد و فکر میکند قادر است با این توده میلیونی مخالفین را از میدان بدر کند. او باور ندارد که این ۷۵٪ اساساً بدین خاطر به وی رای دادند که با دیگر گاندیدها مخالف بودند. بنی صدر صاحبان ۲۵٪ رای را از میدان

بقیه در صفحه ۲۲

نکاتی.....

مبارزه انتخاباتی بدر کرده اما میدان مبارزه
 ابقاتی در جامعه خالی نشده و حریفان بسیاری دارند.
 دانشجویان مستقر در سفارتها خود نیروی
 مبارزه ضد امپریالیستی چند ماهه و اعتماد
 توده مردم را دارند (البته در شرایط امروز)
 بنی صدر در مقابل دانشجویان جناح خود و پستی
 بانی چون نهضت آزادی، دیگر لیبرالها و
 "شورای انقلاب" ضد انقلابی را دارد. بفرمان
 همین پشتیبانان و بوسیله عوامل مشکوک و
 تحریک شده است که چندین هفته گذشته تبلیغات
 وسیعی بر علیه دانشجویان در محافل گوناگون،
 تجمعات عمومی براه افتاده است. بنی صدر امروز
 با قرار گرفتن در راس مقامات دولتی در واقع
 خود را در بوته آزمایش مردم قرار داده است.
 مردم همیشه شخصتهایی که در راس قرار میگیرند
 با مراقبت میبایند و تک تک سیاستها و
 عملکردهایشان را در نظر بگیرند. امروز دیگر
 چند هفته پیش نیست که آقای بنی صدر بتواند
 با موضعگیری "میانه" خود در مورد مسئله
 تبریز هم به میخ بزند و هم به نعل و از خود
 چهره ای مستقل بسازد. امروز دیگر چند ماه
 پیش نیست که او بتواند با مبارزه طلبیدن در
 بحث آزاد از خود سمبل دمکراسی بسازد. امروز
 او باید سحری سیاسی مشخص باشد. مردم از این
 پس در مورد وقایعی نظیر آذربایجان و کردستان
 در مورد تبلیغات رادیو و تلویزیون، در مورد
 انتخابات آتی از بنی صدر جواب میخواهند و این
 جاست که دیگر ایشان هر قدر هم که سعی کند
 مستقل باشد نخواهد توانست در مبارزه سیاسی
 در میانه بماند و خواه ناخواه در يك قطب،
 در مقابل قطب دیگر و از آن مهمتر بعنوان سخن
 گو و نماینده يك قطب در مقابل قطب دیگر ظاهر
 خواهد شد. تثبیت یا عدم تثبیت بنی صدر در راس
 قدرت بستگی به جدال پیچیده مبارزه ابقاتی
 میان این قطبها دارد. در گام اول آقای

رئیس جمهور برای مقابله با افشاگریهای
 دانشجویان پیرو خط امام خود را در اردوگاه
 ضد انقلاب قرار داده و "شورای انقلاب" نیز او را
 به ریاست خود برگزیده است. از این پس مردم
 ناراضیاتیهاشان را از اوضاع در ناراضایتی از
 رئیس جمهور و رئیس "شورای انقلاب" بروز
 خواهند داد. روز پنجشنبه "شورای انقلاب"
 پخش افشاگریها را از رادیو و تلویزیون
 ممنوع کرد و جمعه گذشته تظاهرات مردم در
 مقابل جاسوسخانه با خواست ادامه قاطعانه
 افشاگریها و بخش آن از شبکه رادیو و تلویزیون
 برگزار گردید. محاسبات بنی صدر در مورد
 ۷۵ درصدی در همین گام اول اشتباه از آب
 در آمد است. توده مردم بر حقانیت افشاگریها
 صحنه میگذارند و در عمل برای سخنان رئیس-
 جمهوری ارزشی قائل نیستند. این حرکت تا آنجا
 پیش خواهد رفت که اعتماد مردم به دانشجویان
 ضد امپریالیست با برجا باشد تا آنجا که
 دانشجویان بر اهداف و شعارهای خود استوار بمانند
 و بالاخره تا آنجا که ایت الله خمینی از مواضع
 ضد امپریالیستی خود دست نکشد.
 اگر مردم اعتماد خود را به دانشجویان پیرو خدا
 امام از دست ندهند دولت و شورای انقلاب و بنی
 صدر می توانند براحتی افشاگری و بدنبال کن
 مبارزه ضد امپریالیستی حول مسئله گروگانها را
 سد نمایند اگر دانشجویان در مبارزه سست گردند
 و در مقابل فشارهای ضد انقلابی صاحبان قدرت
 تسلیم شوند در میان توده مردم روحیه انفعال
 و بی اعتمادی گسترش می یابد و بالاخره اگر
 آیت الله خمینی در میان راه بماند و بسود
 قطب بهشتیها، بازرگانها، و بنی صدرها موضعگیری
 کند، بر حرکت دانشجویان و همچنین توده مردم
 تاثیر خواهد گذاشت.

در این میان نیروهای انقلابی وظایفهای سنگین

بقیه در صفحه ۳

اسلام آباد....

شرایط جو ضد امپریالیستی موجود از یکطرف مردم صند بندی کرده و علیه سازشکاریهای قدرت طلبان برای نزدیکی به آمریکا تظاهرات براه انداختند و از طرف دیگر حکومت بدون توجه به خواستههای عمومی توده مردم مبنی بر قطع هرگونه رابطه با آمریکا در کمال وقاحت در این کنفرانس شرکت کرده و بر روی سیاست آمریکا در منطقه صحنه گزاری نمود.

امروز اوضاع در منطقه خاورمیانه بسیار بحرانی است. از یکسو خلقهای منطقه تحت تاثیر انقلاب ایران و موج ضد امپریالیستی کنونی بپا خاسته اند و در کلیه کشورها مبارزه با وابستگان به آمریکا اوج گرفته است و حتی در کشوری مثل عربستان سعودی با بالاترین درجه فاشیسم و استبداد و عقب ماندگی توده مردم جان برکف علیه خاندان آل سعود مبارزه میکنند. در این میان کشورهای تحت سلطه شوروی نیز از چندی پیش برای پایان دادن به دیکتاتوریهایی خون گشام در درون میهن خود دست به مبارزه و جنگ داخلی زده اند و همچنین با سقوط شاه و تضعیف امپریالیسم آمریکا در منطقه تعادل قوا بین روسیه و آمریکا بهم خورده و هر یک از اینان سعی مینماید که از اوضاع مغشوش بنفع خود استفاده کرده و نفوذ خود را گسترش دهد و این امر را باید در پرتو سیاست عمومی آمریکا و روسیه و رقابتشان در عرصه جهانی در نظر گرفت.

امپریالیسم آمریکا با اوج گیری مبارزات ضد امپریالیستی در ایران با دامن زدن به جو مصنوعی و فاشیستی در کشور خود مبنی بر دفاع از "شرافت" امریکابزرگ و فریفتن مردم خود زیر لوای تجهیز بیشتر نظامی برای حفظ امپریالیسم غارتگر و تحکیم وحدت با کشورهای اروپائی و ژاپن در حقیقت هدف بزرگتر ایجاد بلوک بندی و زمینه سازی ذهنی تجاوزگری و جنگ را آماده میسازد. در همین حیث ویت هیات حاکمه آمریکا طرح لایحه بودجه سرسام آور نظامی ۱۵۷ میلیارد دلاری و طرح ایجاد یک قوه استراتژیک ضربتی شامل ۱۰۰ هزار تفنگدار را برای تصویب به مجلس ارائه میدهد و سپس دست به اقدامات نظامی جدید در منطقه زده و با گسیل ناوگانها به منطقه و حتی ناو عظیم دریائی اتمی بسوی دریای عمان، تقویت نیروهای خویش در جزیره دیه گوارسیا و با طرح قرارداد های نظامی جدید با ترکیه و عربستان سعودی و لغو تحریم نظامی پاکستان و در اختیار گذاشتن اعتبار نظامی در دست ضیاء الحق مرتجع سعی مینماید که موقعیت خود را تحکیم بخشیده و برای حمله نظامی و سرکوب مبارزات خلقهای دلیبر منطقه خصوصا ایران زمینه سازی کند. دولت ضد خلقی شوروی نیز که امروز موقعیت آمریکا را در منطقه تضعیف شده میبیند دندان تیز کرده و مقرر است که هر آنچه را میتواند ببلعد از اینرو با اشغال

نظامی افغانستان و سرنگونی نوکر سابق خود حفیظ الله امین سعی کرد که به مبارزات خلق افغان پایان داده و با سرکوب وحشیانه آن از ایجاد ایرانی دیگر جلوگیری کند. شوروی در این مدت در مقابل مانورهای نظامی امریکا ناوگان دریائی خود را در اقیانوس هند تقویت کرده و با استفاده از امکانات بندری سوکورتا در یمن شمالی و ایجاد پایگاههای هوائی در اتیوپی و افغانستان و با استفاده از بهم خوردن تعادل قوا در هند و تقویت جناح طرفدار شوروی در انتخاباتی که منجر به روی کار آمدن خانم گاندی شد خود را آماده تهاجم و گسترش نفوذ بیشتر مینماید.

در مجموع کشورهای بحران زده امپریالیستی و شوروی که در کل خود در شرایط نابسامان تورم و کساد و بازار بسر میبرند و در مقابل هم قرار گرفته و برای دستیابی به منابع سرشار نفتی خاورمیانه و حاکمیت بر خلقهای دلیبر جنگ و دندان تیز کرده و امروز رقابتهای مسالمت آمیز گذشته شان تبدیل به صف بندیهای نظامی جدید گشته است.

با اشغال لانه جاسوسی آمریکا و اوج گیری مبارزه ضد امپریالیستی و بی آبرو شدن آمریکا در عرصه بین المللی از یکطرف و از طرف دیگر حمله نظامی شوروی به افغانستان که باعث عکس العمل شدید آمریکا گشته و از این موقعیت برای توجیه نظامیگری خود سوء استفاده نموده و اعلام کرده که "ایالات متحده برای حفظ امنیت پاکستان در مقابل بل مدخله شوروی در افغانستان، در توسل به نیروی نظامی در رنگ نخواهد کرد". آمریکا و روسیه با سیاستی سالوسانه سعی در تخطئه مبارزات خلقها کرده و هر کدام در پی تحکیم موقعیت خود بوسیله وابستگان شان میباشند. کنفرانس اسلام آباد در پرتو چنین طرح ریزی نیز میبایست بررسی گردد. در این کنفرانس که به ابتکار امپریالیسم امریکا و سگان زنجیریش همچون عربستان سعودی تشکیل شد جهانخواران یانکی سعی کردند که مبارزات خلقها را علیه نیروی ارتجاعی به مبارزه بین دو قدرت بزرگ تبدیل کرده و همه نیروها را در این یا آن جناح و به پشتیبانی از آمریکا و شوروی متحد گردانند. در این جمع در زیر سایه امپریالیسم آمریکا اساسا کلیه حملات متوجه دولت ضد خلقی شوروی بوده و اشغال نظامی افغانستان محکوم گردیده و تقاضای خروج فوری نیروهای اشغالگر درخواست شده و کلیه مفاد قطعنامه در این رابطه است ولی برای خالی نبودن عریضه و راضی کردن نیروهای بینابینی هم چون ایران و لیبی و دیگر کشورهای میانه اشاره ای به محاصره اقتصادی ایران گشته و بصورت آبکی به امپریالیسم آمریکا برخورد شده و خواستار حل مسالمت آمیز بحران ایران و آمریکا میاشد یعنی آنکه کلیه اهداف این کنفرانس در جهت محکوم نمودن تجاوزگری شوروی بود و آنجا

بقیه در صفحه ۵

نکاتی...

را بر دوش می کشند . اینان می باید با شرکت فعال در مبارزه ضد امپریالیستی خلق ، مبارزه با تشبثات ضد انقلابی قدرتمندان جهت جلوگیری از ادامه افشاگریها و حفظ آبروی سازشکاران و دفاع از اقدامات افشاگرانه دانشجویان پیرو خط امام کفه ترازو را بسود قطب ضد امپریالیستی خلق سنگین کنند . در گوشه نشستن و با موضعگیری های بظاهر انقلابی همه را به یک چوب راندن ، همه وقایع را توطئه خواندن و در پاره ای موارد سعی در تخطئه افشاگریها کردن در عمل چیزی جز تقویت قطب دیگر و تضعیف موقعیت و مواضع دانشجویان پیرو خط امام را بدنبال نخواهد داشت . این جنبش دانشجویی و دانش آموزی است که می باید با بکار گرفتن نیروی عظیم نهفته خود با شعار ادامه قاطعانه افشاگریها ، مبارزه با سانسور حاکم در رادیو و تلویزیون از سوی " شورای انقلاب " و محاکمه و مجازات جاسوسان و سازشکاران خائن بپا خیزد و نقش تاریخی خود را در این مرحله حساس جنبش بازی کند . جنبش دانشجویی و دانش آموزی قادر است بر حرکت توده های زحمتکش میهن تاثیر گذارد و با فعالیت آگاهگرانه و انقلابی خود ، مردم را بصورت صحیح مبارزه ضد امپریالیستی سوق دهد . بکوشیم تا این وظیفه سنگین را با نجام رسانیم .

xxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxx

درباره مصاحبه تلویزیونی "بازرگان" "شورای انقلاب" و آقای بنی صدر بعد از صدور فرمان جلوگیری از ادامه پخش افشاگریها از رادیو و تلویزیون ، لیبرال کهنه کار و سازشکار نامی جناب مهندس بازرگان را دعوت کردند تا پشت دوربین تلویزیون رود و از نوار مغناطیسی دقیقه ای ۱۰ هزار تومان (بقول خودشان) استفاده کند . تا از يك سو " دانشجویان پیرو خط امام " بتازد و از سوی دیگر جاسوسانی نظیر

امیر انتظام و را تبرئه کرده و بالاخره به توجیه خط مشی سازشکارانه خود و "نهضت آزادیشان" "بپردازد . مهندس بازرگان در این مصاحبه وقیحانه با يك دست به آرایش چهره کریه امپریالیسم آمریکا و عمال "سیا" در ایران پرداخت و آنان را " واقع بین " خواند و با دست دیگر بر مبارزات قهرمانانه و خونین خلقهای دلاور میهن در راه سرنگونی بساط سلطنت محمد رضا شاه خط بطلان کشید و همه دستاوردهای ملت را نتیجه چك و چانه زدن و دریوزگی خود و یارانش در بارگاه جاسوسان آمریکایی معرفی کرد . از نکات مهم این مصاحبه لحن محترمانه بازرگان در برخورد به یار دیرین و شريك ایشان در امور بسا و و بفروش ساختمان یعنی شاهپور بختیار خائن بود برآستی که تلویزیون در جشنهای سالگرد انقلاب برضامه های مناسبی را برای ملت تدارك دیده است .

xxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxx

رئیس جمهور هنوز بر صندلی جدید جای خود را محکم نکرده در سه زمینه مواضع ز عملکردی خلاف مصالح و منافع انقلاب را به مردم نشان داد: الف- در مورد حذف بهره بانکی . ب- مسئله خود مختاری خلقها و مشخصا خلق کرد . ج- سیاست خارجی دولت جمهوری اسلامی . الف- اگر یادمาน باشد چند ماه پیش آقای بنی صدر سروصدای فراوانی در مورد حذف بهره بانکی و تغییر و تقلیل آن به " کارمزد " چهار در صدی براه انداخت و علت این رفتار را اساساً به زارعین و در نتیجه کشاورزی میهن و همچنین صنعتگران ملی ذکر کرد .

حال ببینیم در عمل بانکها چه می کنند . در مورد وامها زراعی همچنان بهره با برجاست و زارع می باید در قبال گرفتن وام ، امر

نکاتی....

کشاورزی را در مشارکت با دولت به پیش ببرد
در مورد وامهای صنعتی بهره ۷/۵-۸ درصد از
گیرندگان وام گرفته میشود و تنها در مورد
وام مسکن طرح "کار مزد" ۴ درصد رعایت شده
است. تجربه نشان داده است که مسئله کشاورزی
ایران بدست بهقانان ایرانی و فقط بدست
خود او قابل حل است. هر فرمهای آقای بنی صدر
هم از سطح آنچه انجام شده با اضافه چاشنی وعده
و وعید فراتر نرفته و نخواهد رفت.
ب- رئیس جمهور در اولین مصاحبه بعد از انتخاب
بش در مورد مسئله خودمختاری صراحتاً موضعگیری
نمود و بر نیروهای انقلابی خلق کرد تاخت.
این مصاحبه تحریک آمیز که با ۷۵٪ از
آراء صورت گرفت تنها می توان حاصل نهضیات آقا
ی رئیس جمهور باشد نه آنچه در واقعیت می گذرد.
واقعیت این است که هیئت حاکمه در یورش ضد
انقلابی خود به کردستان تلاشهای جناهای
وابسته و جنگ افروز قادر به دامن زدن و قدر
قدرتی در کردستان نیست و مجبور است که فعلاً
به حاکمیت نسبی نیروهای انقلابی در منطقه
گردن نهد. بنابر این سخنان آقای بنی صدر
و تهدیدات ایشان مبنی بر اینکه "اگر اوضاع
این چنین پیش رود مردم سایر نقاط ایران (یعنی همان ۷۵٪) دیگر تحمل نخواهند کرده"
تنها يك توطئه خالیست و در عمل به منفرد
شدن و متزلزل شدن موقعیت کنونی نخواهد انجامید.
ج- آقای بنی صدر هم "سه جهانی از آب درآمد
ایشان خواهان نزدیکی اروپا و ژاپن در مقابل
آمریکا و شوروی گشته و می خواهند از تضادهای
مزجود در سطح جهانی بسودبوزوازی بیحال ولی
در قدرت ایران استفاده کند. آنچه که تاریخ

اسلام آباد....

که به امپریالیسم امریکا مربوط میشود مساله راه حل مسالمت
آمیز پیشنهاد میگردد، بخوانید آنکه همه در زیر چتر
حمایتی امریکا علیه ابر قدرت دیگر متحد گردند.
در آخر نیز برای "وحدت اسلامی" مساله همکاری مصر و
اسرائیل محکوم شده که خود نیز از آنجا که به نقش امپری-
یالیسم امریکا اشاره نگردیده اساساً به مصر جدا از ارباب
بزرگس و دشمن خلق قهرمان فلسطین یعنی امریکا برخو-
رد کرده ولذا هیچگونه خطری را متوجه طراحان کنفرانس
نمینماید. شرکت ایران در این کنفرانس جز صحنه گذاری
بر روی سیاستهای امپریالیسم غارتگر امریکا نمیشد.
یانکیها که امروز به تجاوز نظامی شوروی اعتراض میکنند
بهیچوجه دلشان برای مردم افغان که در زیر چکمه های
سربازان کرملین به خاک و خون کشیده میشود نمیسوزد
همانگونه که حمایت شوروی از مبارزات مردم ایران علیه
آمریکا نیز نه در جهت تقویت انقلاب ما بلکه در جهت
ضربه زدن به رقیب و باز کردن جای پای خود میباشد.
چرا که هر دو اینان کانامه سیاهی از قتل و غارت و چپا-
ولگری در اقصاء نقاط گیتی دارند و امروز در مقابل هم
گردنکشی میکنند و برای ملتها اشک تمساح میریزند تا
توسعه طلبی و جنگ افروزی خویش را نوجیه کنند.
خلقهای دلاور منطقه و ایران نه با سمت گیری با این یا
آن نیروی ضد خلقی بلکه با تحاد و درهم کوبیدن کلیه
امپریالیستها و مرتجعین و جدا از سران ارتجاعی و
سازشکار خویش در راه کشب استقلال واقعی گام برمیدارند
و پوزه این غارتگران بین المللی را به خاک خواهند
مالید

نشان داده در مورد چنین نیروهای افتادن
بدام این یا آن قدرت امپریالیستی است. از
طرف دیگر آقای بنی صدر به دولت ترکیه پیش
نهاد ایجاد جبهه ضد و ابر قدرت داده است.
ماهیت وابسته دولت ترکیه و سرسپردگی آن به
ابر قدرت امریکا بر کسی پوشیده نیست.
پایگاه های نظامی و جاسوسی امریکا در خاک
ترکیه همچنان پا برجاست. سازمان امنیت ترکیه
"میت" هر روز در صدد شکار مبارزین خلقهای تر-
کیه و منطقه می باشد و همکاری وسیعی با ساز-
مانهای جاسوسی امریکا و اسرائیل و همچنین
ساواک محمد رضا شاه داشته است. حال جناب آقای
بی صدر خواهان ایجاد جبهه ضد دو ابر قدرت
با نوکر یکی از همین ها گشته است
خدا آخر و عاقبت ایشان را بخیر کند

میتینگ مجاهدین و مسأله وحدت انقلابیون

روز چهارشنبه ۱۰ بهمن میتینگ توسط "سازمان مجاهدین خلق ایران" بخاطر بزرگداشت ۲ شهید این سازمان برگزار شد که از نظر زاویه برخورد نیروی جنبش دانشجویی و دانش‌آموزی به آن حائز اهمیت فراوان می‌باشد.

میگوئیم اهمیت فراوان دارد زیرا به عقیده ما این میتینگ و سایر جریان‌های مشابه آن در جامعه، حقانیت نظرات ما را در مورد جنبش دانشجویی و دانش‌آموزی و مسأله وحدت داشتن این جنبش بر سر مسائل دموکراتیک را بطور بارزی نمایانگر می‌باشد. در این روز دهها هزار نفر از دانشجویان و دانش‌آموزان انقلابی با مسلک و مرامهای متفاوت که اکثریت جمعیت را بخود اختصاص داده بودند، حضور داشتند. میتینگ با شعارهای ضد امپریالیستی - ضد ارتجاعی همچون مرگ بر امپریالیسم، مرگ بر ارتجاع، مرگ بر فالا نژیسم، که محتوی و برنامه ضد امپریالیستی آنرا بیان میداشت آغاز شد. این میتینگ دقیقاً به همین دلیل توانسته بود تا بدین حد (بیش از ۱۵۰ هزار نفر) توده‌ها را بسیج کند و به برنامه بکشد. این گونه حوا- دث تاکنون چندین بار در جامعه تکرار شده یعنی هر کجا که یک نیروی مترقی، یک برنامه روشن و صریح و مشخص دموکراتیک و ضد امپریالیستی در مقابل مردم قرار داده، توانسته آنها را حول این برنامه گرد آورده و به مبارزه بکشد که بطور مشخص دانشجویان و دانش‌آموزان به علت حساسیت بیشتر نسبت به مسائل سیاسی، غالباً بیشترین سهم و تعداد توده‌های درگیر را بخود اختصاص داده‌اند و بهر صورت همیشه در لوی چنین برنامه‌هایی با تمام قدرت، شرکت و مبارزه برخاسته‌اند. بطور مثال، اشغال سفارت آمریکا و آغاز مبارزه ضد امپریالیستی و شرکت و وسیع دانشجویان و دانش‌آموزان در اینگونه مبارزات بیا- نگر چیست؟ این مسأله را ما بدستی بارها و بارها پاسخ گفته‌ایم و اکنون نیز در عمل جواب آن داده میشود.

دلیل این مطلب وحدت انقلابی توده‌های دانشجویی و دانش‌آموزی با هر مرام و مسلک و ایدئولوژی بر سر مسائل دموکراتیک و ضد امپریالیستی کنونی جنبش عمومی خلق و توان آنها در مبارزه حول این برنامه مشخص است. دانشجویان و دانش‌آموزان همانطور که گفتیم و عملکرد مشخص مبارزاتی آنها بخصوص طی پروسه قیام و بعد از آن، نشان داده‌اند که این توانائی را دارا می‌باشند. و این امروز

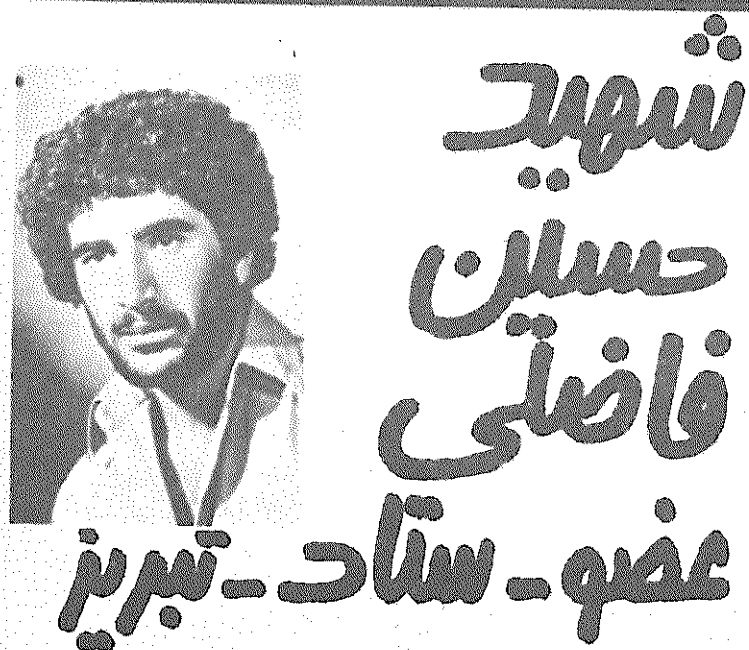
دیگر بر دوش انقلابیون آگاه و فعال در جنبش دانشجویی و دانش‌آموزی است که این برنامه را تدوین کرده و با در نظر داشتن این برنامه، تشکیلات مناسب را در جوابگوئی به خواسته‌های توده دانشجویی و دانش‌آموزی بسازند (بنظر ما این تشکیلات، همان سازمان واحد و سراسری و توده‌ای می‌باشد) و آنان را سازماندهی و رهبری نمایند. بدیده ما تنها راه حل معضل کنونی جنبش دانشجویی و دانش‌آموزی، ایجاد تشکیلات واحد و سراسری متشکل از تمام نیروهای دموکرات انقلابی حول برنامه انقلاب دموکراتیک و مبارزه برای تحقق این اهداف می‌باشد.

اما برخی از نیروهای موجود در جنبش دانشجویی و دانش‌آموزی اعم از مذهبی و غیرمذهبی با مرزبندی ایدئولوژیکی سعی در برهم زدن وحدت دموکراتیکی که بخاطر شرایط خاص کنونی انقلاب میتواند در این جنبش بوجود بیاید، میکنند.

بعقیده ما در این مقطع بخصوص از انقلاب، هر نیروئی که بخواهد این وحدت را ندیده بگیرد و با موضعگیری‌های مسلکی سعی در مخدوش کردن این مرزها بکند، در تحلیل نهائی هم خود را ایزوله میکند و هم بتوان عمومی این جنبش ضربه میزند و بهر حال به منافع انقلاب در این برهه ضربه اساسی وارد مینماید. میبایستی که از همین امروز در راه وحدت دادن این جنبش و نجات آن از این پراکندگی و نابسامانی‌ای که اکنون دچار آن می‌باشد کوشید و با این عمل سعی در منفرد و ایزوله کردن نیروهای ارتجاعی و سازشکار که از این آب گل آلود کنونی جنبش سعی در ماهی گرفتن میکنند کرد.

* پیش‌سوی وحدت تمامی نیروهای انقلابی جنبش دانشجویی و دانش‌آموزی!

* پیش‌سوی ایجاد تشکیلات دموکراتیک واحد و سراسری!



شهید
حسین
فاضلی
عضو - ستاد - تبریز

خبری از گیلان

در مهر ماه سال ۱۳۵۷، یعنی درست در زمانیکه در دستگاه ترور و وحشت "دولت شاهنشاهی ایران" بسیاری دستها و پاها مجروح و سوخته و بریده و بسیاری بدنها سوراخ سوراخ شده بودند، یعنی درست در شرایطیکه رژیم "آریامهری" تازه دست به کشتار در میدان شهسار زده بود و جنایت ننگین و هولناک سینما رکس را مرتکب شده بود و نیز در مقابل این وقایع، دانش آموزان و معلمان منطقه لشت نشاء (استان گیلان) نیز دست به اعتصاب زده بودند، شخصی از سوی مدیرکل آموزش و پرورش استان گیلان مامور سرکوب اعتصاب در منطقه لشت نشاء میگردد، این شخص کیست؟

مامور سرکوب معلمان، محصلان و کارمندان اعتصابی و مبارز منطقه لشت نشاء در سال گذشته "بهمن رهنما" بوده است. شخصی که به گواهی معلمان مبارز لشت نشاء در محوطه آموزش و پرورش با صدای بلند و در پاسخ به اعتصاب حق طلبانه معلمان فریاد زده بود: "کم شوید، بروید سر کارتان". بعد از انقلاب همه معلمان و محصلین مبارز انتظار داشتند که این مزدور بیشرم محاکمه و به مجازات برسد اما ناگهان دیدند که ایشان از طرف دولت انقلابی "به مقام مدیرکل استان گیلان برگزیده شده اند". هیئات از اینهمه پاکسازی! در همین منطقه آموزش گاری را میخواهند بیرون کنند که باعث اعتصاب دانش آموزان علیه رژیم منحوس و خائن محمد رضا شاه شده بود و روشن است به چه دلیلی، و مامور سرکوب همین منطقه بیاسخ داتش به ضد انقلاب، پس از انقلاب نماینده دولت "انقلابی" در یکی از مهمترین ادارات استان گیلان میشود. البته از اینگونه ترفیعات قبلا هم دیدیم.

زمانیکه تیمسار آریامهری "قره‌نی" را که در همین شهر رشت در ۲۸ مرداد ۳۲ بقول سالنامه آتش (به مدیریت مهدی میراشرافی که چند هفته قبل اعدام شد): "بنحو احسن انجام وظیفه کرده است" ترفیع میدهند و از او بعنوان "شهید" نام میبرند دیگر تعجبی ندارد که از اینگونه وقایع اتفاق بیافتد و "بهمن رهنما" مدیرکل آموزش و پرورش استان گیلان در سال ۵۸ بشود.

در پائیز امسال معلمان مبارز منطقه لشت نشاء با همکاری و همکاری دانش آموزان دست به افشای "بهمن رهنما" زدند و عین سندی را که نشان دهنده همکاری وی با رژیم برای سرکوب معلمان در سال ۱۳۵۷ بود تکثیر کردند. پس از چندی از سوی ایشان شکایتی به دولت، دادگاه انقلاب اسلامی و... شد و قضیه از سوی دادگاه انقلاب اسلامی رشت مورد بررسی قرار گرفت ولی چون تا تاریخ روز دوشنبه ۵۸/۱۱/۸ جوابی از دادگاه برای فرهنگیان لشت نشاء نیامد، فرهنگیان در تاریخ فوق دست

به تحصن زدند و خواستار برکناری "رهنما" شدند و در همین زمینه اطلاعیه‌ای فیز انتشار دادند. در همین روز نماینده‌ای از رشت به لشت نشاء آمد (بنام داودی) و بر این ادعا بود که نماینده امام است. پس از اینکه معلمان خواستار دیدن حکم وی شدند، او نامه‌ای به امضاء "رهنما" نشان داد که وی را جهت رسیدگی به تحصن معلمان فرستاده بود، که مهمترین خواسته آنها تعویض "رهنما" بود. پس از اینکه معلمان متحصن وی را هیچ کاره خواندند، وی اصرار کرد که حرفهای متحصنین را بعد از ظهر همانروز به گوش مردم لشت نشاء در مسجد برساند و قول داد که مردمی را که بخشا بوسیله عوامل "رهنما" تحریک شده بودند آرام کند و توضیح دهد که هدف از تحصن چیست. وی پس از این قول و قرارها با کمال وقاحت و بیشرمی به مسجد رفت و ۲ ساعت تمام مردم را تحریک کرد که اینها یعنی معلمان ضد انقلابند و همه را باید بیرون کرد و اینها میخواهند که بچه‌های شما همگی بیسواد بار بیایند و از این مزخرفات. روز سه‌شنبه ۵۸/۱۱/۹ نماینده واقعی دادگاه انقلاب اسلامی رشت، آقای مولوی به میان تحصن کنندگان رفت و مطرح کرد که شخص دیروزی هیچ‌کاره بوده است و با قول وی مبنی بر رسیدگی به تمام شکایات و اعلام نتیجه تا روز ۵۸/۱۱/۲۰ تحصن پایان گرفت. پیروزیاد مبارزه حق طلبانه معلمان و دانش آموزان لشت نشاء

* گزارشی از هنرستان صنعتی مبتکر واقع در خیابان طالقانی - ایرانشهر (ناحیه آموزشی ۳)

در تاریخ ۵۸/۱۱/۹ ساختمانی به اشغال هنرجویان هنرستان مبتکر درآمد که متعلق به فردی سرمایه دار و فراری بوده است. این ساختمان که آپارتمانی ۵ طبقه میباشد و تا تصرف هنرجویان مبارز هنرستان خالی بوده است دارای امکانات زیادی است که با پیشکار تمامی هنرجویان قهرمان به دست هنرستان افتاد و فعلا کلاس درس در آن دایر میباشد. البته لازم به گفتن است که دلیل این کاری یعنی اشغال این آپارتمان خالی نداشتن کلاس درس کافی برای درس خواندن هنرجویان بوده است.

* راهپیمایی جهت افشای نام ساواکیها در آستارا در روز یکشنبه ۵۸/۱۱/۱۴ راهپیمایی به دعوت "شورای هماهنگی دانش آموزان دبیرستانهای آستارا و حومه" بعمل آمد. این راهپیمایی به منظور درخواست افشای نام ساواکیهای که هنوز در مدارس و مراکز آموزشی مشغول به فعالیت هستند، بعمل آمد. شعارهای این راهپیمایی عبارت بودند از: عوامل ساواکی، در داخل مدارس، افشا باید گردند - پرونده ساواکی در پیشگاه ملت افشا باید گردد، محاکمه پشت آن اجرا باید گردد - اتحاد، اتحاد، علیه امپریالیسم نه سازش نه تسلیم، نبرد با امریکا... ♦

«آدرخش» نو «آدرخش» نو

در شماره ۵۴ نشریه «آدرخش نو» ارگان کانون دانش آموزان که به حزب توده وابسته است، نامه سرگشاده ای به وزیر آموزش و پرورش نوشته شده و طی آن نکاتی راجع به شوراها و مدارس آورده شده است. تشکیل شوراها از مسائلی است که بعد از قیام بسیار مورد بحث بوده و مبارزات فراوانی برگرد آن در جامعه صورت گرفته است و در عین حال از سوی نیروهای معینی کوشش شده که معنوی و مضمون فعالیت و وظائف آنرا دگرگونه جلوه دهند. پس بهتر است ببینیم شورا چیست؟ شورا از بطن مبارزات توده ها و قیام میجوشد و ابزاری برای اعمال حاکمیت مستقیم مردم بر امور جامعه است. شوراها خلقی در یک سیستم شورائی حق قانونگذاری و اجرای آنرا دارند و این مفهوم واقعی آنچیز است که مردم برای آن مبارزه کرده و میکنند: قدرت سیاسی. در این میان هستند نیروهایی که از یکطرف خواست مردم را به شورا میبینند و از طرف دیگر با آن «ماهیتا» مخالف هستند. اینها برای فریب مردم دست به طرح شورهائی بسازند محتوا زده اند. شورهائی که نه وسیله ای برای اعمال حاکمیت توده بلکه محلی برای شو و حد اکثر تصمیم گیری در امر رفاهی و صنفی ایجاد میشوند و بدین طریق قدرت سیاسی را برای همیشه در دست اقلیت حاکم میخوانند باقی گذارند.

در مقاله «فیق الذکر» «آدرخش نو» نیز همین روش بکار گرفته شده است: «در بعضی مدارس نمایندگان دانش آموزان بجای بازگو کردن مشکلات (حتما! امور صنفی و درسی!!) و خواسته های آنان به پیش کشاندن بحثهای سیاسی روز و وارد کردن عقاید خاص گروهی خود بحث شورا را به انحراف کشانده و آنرا به تعطیل می کشانند. آنها شوراها را به میدان تاخت و تاز گروهی خود تبدیل کرده اند» در واقع «آدرخش نو» اندرز میدهد که دانش آموزان عزیز فقط به

مسائل صنفی خود بپردازند، به شما چه که مسائل سیاسی روز چه میباشد و در جامعه تان چه میکنند؟ شما باید در چهار چوب تفک و مذهب باقی بمانید. در حقیقت دیگر روزهای انقلاب که با تظاهرات توفنده سیاستدانان را زیر پا میگذاشتید و همراه خلقستان میجنگیدید و خون میدادید، گذشت! حالا باید بچه های خوسى و بزرگوار مسائل درسی با دبیرتان چانه بزنید، به شما چه که الان بوی مشتمل کننده سازش با امپریالیسم به مشام میرسد و وابستگان رژیم سابق هنوز عریده میکنند، خلق کرد و ترکمن و... را بخون

کشیده اند و خیر اینها هیچ ربطی به شما ندارد. شما بسجده ها فقط باید درستان را بخوانید. بله حزب توده به شورا های مدارس موفظه میکند که در مدرسه بمانند، از جامعه جدا شوند و به امور صنفی بپردازند. اما که خوانده است! برای دانش آموزان انقلابی ما این اندرزهای ضد انقلابی پشیزی ارزش ندارد. آقای رجائی چند ماه پیش فرمود: مدرسه جای بحث سیاسی نیست. و دانش

سه جهانی ها در آغوش آمریکا!

موضعگیری متفاوت نیروهای سیاسی نسبت به برگزاری کنفرانس ارتجاعی اسلام آباد در عمل به روشنفردان ماهیت واقعی جریانات سیاسی انجامید. «کنفرانس یون دانش آموزان و دانشجویان ایران» یکی از این نیروها میباشد که در شماره ۵ دوم نشریه خود ۱۶ ام آذر عملا بدفاع از این کنفرانس پرداخته است. اینها در پیروی از یک خط مشی ارتجاعی که همان خط مبارزه با شوروی در زیر پرچم آمریکاست تمام ایده آل های خود را در این کنفرانس باز یافته و به تأیید سیاست «شورای انقلاب» برخاستند. «کنفرانس یونینها» نه تنها کلمه ای در محکوم کردن این کنفرانس ظلم نزدند (که از آنها انتظار چنین کاری هم نیست) بلکه با آوردن توجیهات و قبحانه «قطب زاده» و مقامات شورای انقلاب در لزوم شرکت بر آن صحه گذارند.

کنفرانس پاکستان توطئه «آمریکا بر علیه خلقهای منطقه بود که زیر پوشش» مقابله با تجاوز نظامی شوروی به افغانستان» بمسمل گذارده شد. درست است که خلقهای جهان هرگونه لشکر کشی بخاک هر کشوری را محکوم میکنند و در محکوم کردن تجاوز فاشیستی روسیه به افغانستان نیز پیشقدم بوده اند اما در عین حال هرگونه سازش با آمریکای خونخوار را که اکثریت خلقهای منطقه از سلطه اش رنج میکشند را مردود میخوانند. خط خلقها، خط انقلاب و استقلال است و مطمئنا تشبیهات ارتجاعی سه جهانی هائی نظیر «کنفرانس یون کدائی» در دعوت خلق ما به وحدت با آمریکا بجائی نخواهد رسید. باید به اینان گفت: مکاتبات در افشور آمریکا ارزانی خودتان باد! ملت ما سر انجام ارتجاعیونی چون شما و شرکای ضد انقلابیونتان را در «شورای انقلاب» به زیاله دان تاریخ پرتاب خواهد کرد. ♦

آموزان قهرمان با تظاهراتشان چه جواب خوبی به او دادند. حال توده ایها کاسه داغتر از آتش شده اند و برای رسیدن به مقاصد شوم خود هر چه صاحب قدرت بگویند، اینها مطیع میشوند. غافل از اینکه دانش آموزان به رسالت خود واقفند و میدانند که جنبش انسان بخشی از جنبش عمومی خلق برای کسب استقلال و دموکراسی است. آنها با ایجاد شورهائی واقعی نشان داده اند که حزب توده و

دیگر نمیتواند کسی را بغریبند. ♦